



## The Analysis of the Concepts of Emanation and Birth and Their Implications in *Al-Asfār* and Nicene Creed

**Dr. Mohammad Baqer Abbasi (corresponding author)**

Associate Professor, Shiraz University

Email: [mbabbasi2@gmail.com](mailto:mbabbasi2@gmail.com)

**Hadi Obidavi**

PhD Student of philosophy, Shiraz University

### Abstract

*Al-Asfār* and the Nicene Creed are among the most important works of Islamic philosophy and the world of Christianity. In these two sources, especially *al-Asfār*, the concepts of emanation and birth are frequently repeated. By examining these two concepts, the following results are obtained. First, the analysis of the two concepts leads us to common implications such as the emergence of something from something, eternity, cognation between Father and Son, or emanator and emanation, and the necessity of the existence of the intermediaries in the descending arc. Second, these implications are accepted in both sources. Third, in these sources, emanation and birth are used interchangeably. Fourth, the philosophy of Plotinus, in which emanation, burst, and eruption are central concepts, has had an impact on these two sources. Both perspectives, however, have mentioned justifications to avoid the materialistic sense of God, which finally show the closeness of the two concepts in the two sources.

**Keywords:** intermediaries, emanation, birth, *al-Asfār*, Nicene Creed.



HomePage: <a href="https://jphilosophy.um.ac.ir/">https://jphilosophy.um.ac.ir/</a>	ص 150 - 129	شماره 2 - شماره پیاپی 109 - پاییز و زمستان 1401، ص 150 - 129
شاپا الکترونیکی 2538-4171		شاپا چاپی 2008-9112
تاریخ پذیرش: 1401/11/26	تاریخ بازنگری: 1401/05/06	تاریخ دریافت: 1401/04/28
DOI: <a href="https://doi.org/10.22067/epk.2023.77558.1148">10.22067/epk.2023.77558.1148</a>		نوع مقاله: پژوهشی

## تحلیل مفهوم صدور و ولادت و لوازم آنها در اسفار اربعه و بیانیه شورای نقیه

دکتر محمد باقر عباسی (نویسنده مسئول)  
استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه شیراز  
Email: [mbabbasi2@gmail.com](mailto:mbabbasi2@gmail.com)

هادی عیبادوی  
دانشجوی دکتری رشته فلسفه، دانشگاه شیراز

### چکیده

کتاب اسفار اربعه و بیانیه شورای نقیه از مهمترین آثار فلسفه اسلامی و جهان مسیحیت است. در این دو منبع، به ویژه اسفار، مفاهیم صدور و ولادت فراوان تکرار شده است، که با بررسی این دو مفهوم نتایج زیر به دست می‌آید: نخست، با تحلیل این دو مفهوم به لوازم مشترکی همچون خروج چیزی از چیزی، ازلیت، سنخیت بین والد و مولود یا مصدر و صادر و ضرورت وجود وسائط در قوس نزول می‌رسیم؛ دوم، لوازم به دست آمده از تحلیل دو مفهوم یاد شده، در دو منبع پذیرفته شده‌اند؛ سوم، در این منابع صدور و ولادت به جای یکدیگر به کار برده می‌شوند؛ چهارم، فلسفه افلوپین که صدور، انبجاس و جوشش در آن محوریت دارد، بر این دو منبع اثرگذار بوده است. البته در دو نگاه برای دوری جستن از معنای مادی‌انگاری خداوند توجیهاتی را ذکر کرده‌اند که در نهایت، نزدیکی دو مفهوم یاد شده در دو منبع را نشان می‌دهد.

کلیدواژگان: وسائط، صدور، ولادت، اسفار، نقیه

## 1- مقدمه

تفاهم بین انسان‌ها با کمک لفظ صورت می‌پذیرد. هر لفظی برای دلالت بر معنایی خاص وضع شده است. استعمال لفظ بر معنای وضع شده خود حقیقت است و استعمال لفظ در غیر معنای وضع شده خود استعمالی غیر حقیقی است. برای فهم معنا و مدلول وضع شده یک لفظ تبادر ذهنی یا مراجعه به اهل لغت می‌تواند انسان را یاری کند، اما پس از شناخت معنای یک لفظ آنچه لوازم یک معنا را مشخص می‌کند، تحلیل‌های عقلی است که وابسته به وضع هیچ وضع‌کننده‌ای نیست؛ برای مثال، اگر در مرحله اول مشخص شد مثلث برای شکل سه ضلعی وضع شده است، در مرحله دوم با تحلیل عقلی می‌توان فهمید که لوازم این مثلث ضرورتاً سه زاویه داشتن، 180 درجه بودن و تساوی با دو زاویه قائمه است. در مرحله سوم اگر جایی لفظ مثلث استعمال شد و شک کردیم که از این استعمال معنای حقیقی اراده شده است یا خیر، کافی است لوازم عقلی آن نزد استعمال‌کننده را بررسی کنیم، بدین معنا که اگر استعمال‌کننده لوازمی همچون 180 درجه بودن و تساوی با دو زاویه قائمه را برای این لفظ پذیرفت، ضرورتاً معنای حقیقی مثلث را اراده کرده است.

برای فهم اسفار اربعه یا بیانیه شورای نقیه نیز راهی جز الفاظ نداریم. به همین دلیل ناگزیریم ابتدا معنای حقیقی الفاظ آنها را به ویژه صدور و ولادت را بفهمیم سپس با کمک تحلیل‌های عقلی لوازم آن دو به ویژه ضرورت وسائط در آفرینش را شناسایی کنیم، در مرحله بعد از آنجایی که ممکن است شک شود که کاربرد این دو لفظ در منابع گفته شده به معنای حقیقی نبوده است، به بررسی لوازم معنای حقیقی این الفاظ در دو منبع یاد شده می‌پردازیم؛ بدین معنا که اگر در دو منبع مذکور، لوازم معنای حقیقی پذیرفته شده باشند، می‌توان نتیجه گرفت آنها معنای حقیقی را از دو واژه مذکور اراده کرده‌اند.

همچنین استعمال مفهوم صدور و ولادت در اسفار اربعه به جای یکدیگر، تاثیرپذیری هر دو منبع از افلوطین یونانی، وجود لوازم مشترک بین صدور و ولادت که به ضرورت وسائط در آفرینش می‌انجامد، نزدیکی این دو مفهوم در دو منبع یاد شده را نشان می‌دهد.

با توجه به اینکه مفهوم صدور و ولادت در اسفار و بیانیه شورای نقیه محوریت دارد و هر دو مفهوم لوازم مشترکی در هر دو اثر را دارد، بررسی این دو مفهوم در این دو اثر اهمیت به سزایی پیدا می‌کند.

تاکنون پژوهشی درباره لوازم مشترک صدور و ولادت به ویژه ضرورت وسائط در آفرینش در این دو اثر انجام نشده است، هر چند قبل از این پژوهش، دکتر کاکانی در مقاله گفتگوی اسلام و مسیحیت از دیدگاه ابن عربی و اکهارت با ذکر شواهدی، ولادت در مسیحیت را به تجلی در عرفان بر می‌گرداند (کاکایی، گفتگوی اسلام و مسیحیت از دیدگاه ابن عربی و اکهارت، 170). اما مقایسه‌ای بین مساله صدور و ولادت

و لوازم آن به ویژه توسل به وسایط انجام نداده‌اند.

## 2- هدف و روش پژوهش

روش این پژوهش تحلیلی-تطبیقی می‌باشد و نتایج به دست آمده به معنای حقانیت دین مسیحیت نیست. چون اضافه بر مسأله ولادت و صدور باید مسائل دیگری را بررسی کرد؛ به عنوان نمونه، باید بررسی کرد که مسیحیان در این بیانیه از خداوند و نخستین صادر همانند اسفار وحدت حقه حقیقیه را فهمیده‌اند یا خیر؟ به همین خاطر هدف این مقاله تنها نشان دادن نقش دو مفهوم ولادت و صدور در دو دیدگاه است و با توجه به نوآوری موجود در آن، می‌تواند افق جدیدی برای تحقیقات بعدی در فهم فلسفه اسلامی و مسیحیت باز کند.

در این پژوهش پرسش‌های زیر مطرح است:

- 1- آیا با تحلیل عقلی و مفهومی صدور و ولادت می‌توان به لوازم مشترک به ویژه ضرورت وسایط در آفرینش رسید؟
- 2- آیا لوازم تحلیلی صدور و ولادت در اسفار اربعه و بیانیه شورای نقیه پذیرفته شده‌اند؟
- 3- آیا این دو مفهوم در منابع گفته شده به جای یکدیگر به کار برده شده‌اند؟
- 4- آیا دو اثر تحت تاثیر فلسفه یونان به ویژه افلوپین بوده‌اند؟
- 5- آیا بین مفهوم ولادت در شورای نقیه با مفهوم صدور در اسفار نزدیکی وجود دارد؟

## 3- مفاهیم

توسل از ریشه وسل به معنای تقرب و نزدیکی است و وسیله چیزی است که شخص با آن به غیر نزدیک می‌شود (الجوهری، 1841/3).

واسطه از وسط گرفته شده و وسط چیزی است که دو طرف داشته است (راغب اصفهانی، 869).  
صدور در لغت خروج چیزی از چیزی است. برخی مفسران قرآن نیز معنای صدور را در آیه «یوم یصدر الناس اثتاتا» (زلزال: 6) را به معنای خروج یک شیء موجود از شیء دیگر به معنای محل آن تلقی کرده‌اند: «یقال: صدر عن المكان، إذا ترکه وخرج منه» (ابن عاشور، 490). برخی مفسرین در ذیل آیات دیگر نیز به این معنا تصریح کرده‌اند (مکارم شیرازی، 243/27 و 68/16).

به نقل فارابی اولین کسانی که معنای صدور را ضمن قاعده الواحد برای خداوند به کار برده‌اند، افلاطون و ارسطو هستند که فلاسفه مسلمان نیز از آنان پیروی کرده‌اند (فارابی، 7). ابن رشد آن را به فارابی و

عباسی، عبیدآوی؛ تحلیل مفهوم صدور و ولادت و لوازم آنها در اسفار اربعه و بیانیه شورای نطقه/133

حکمای قبل از وی مانند ثامسطیوس باز می‌گرداند (ابن رشد، 164). در هند باستان نیز خداوند را منبع و مصدر همه چیز می‌دانستند (گلسر، 139). گاه به جای واژه صدور واژه‌هایی با همان معنا از قبیل ترشح، خروج، فیضان و مانند آن به کار گرفته می‌شود. در میمر دهم کتاب اثولوجیا چند بار واژه «انبجست منه» به کار رفته است که معادل جوشش و فیضان و در زبان یونانی معادل «آپورین» است (کاپلستون، 537/1؛ افلوپین، 279). ابن سینا و ملاصدرا تعبیری که برای ارتباط بین واجب و ممکنات به کار می‌برند، واژه صدور است (ابن سینا، التعليقات، 19؛ ملاصدرا، اسفار، 206/2). میرداماد همه چیز را صادر از خدا می‌داند و قاعده الواحد را از امهات اصول عقلی و فطریات آن برمی‌شمارد (میرداماد، 351).

**ولادت** واژه‌ای عربیست که معادل انگلیسی آن «to be born» و معادل فارسی آن زایش است که مستلزم ترک و خروج یک شیء یا اشیایی از شیء دیگر است. بنابراین در ولادت اصل خروج چیزی از شیء دیگر است.

امام صادق علیه السلام نیز ولادت را شامل هر بیرون آمدن و خروج شیء از شیء دیگر می‌داند (صدوق، 101). برخی مفسران نیز تولد را به معنای وسیع آن گرفته‌اند که شامل هر خروجی می‌شود (مکارم شیرازی، 475/27).

#### 4- تحلیل مفهوم صدور و ولادت و لوازم آنها

بیان شد که در معنای صدور خروج چیزی از چیزی نهفته است بنابراین با تحلیل عقلی می‌فهمیم:

1. اگر صادر شده از مصدر خارج شده است قبل از صدور نمی‌تواند امری معدوم باشد. بنابراین صادر قبل از صدور باید در مصدر نحوی از وجود را داشته باشد.
  2. اگر شی صادر شده از ذات مصدر، خارج شده است باید با مصدر سنخیت داشته باشد و گرنه، صدور آن محال خواهد بود یا اینکه از مصدری دیگر خارج شده است؛ چون لازم می‌آید مصدر چیزی را که فاقد آن است را صادر کند.
  3. اگر صادر با مصدر سنخیت دارد اگر مصدر تنها A باشد صادر شده تنها A خواهد بود که همان مفاد قاعده الواحد است. برای همین تصدیق به مفاد آن ضروری و بدیهی است (میرداماد، 352).
- بنابراین لازمه صدور، 1. خروج چیزی از چیزی، 2. عدم محض نبودن صادر شده، 3. سنخیت میان صادر و مصدر 4. قاعده الواحد و 5. ضرورت وسایط در آفرینش است.
- همانند صدور، در زایش و تولد به خاطر متضمن بودن معنای خروج چیزی از چیزی نیز همان ویژگی‌های صدری یعنی عدم محض نبودن شیء قبل از تولد، سنخیت بین والد و مولود، قاعده الواحد و در نهایت

ضرورت واسطه در تولید امور مرکب از امر بسیط را می‌یابیم. یعنی والد برای تولید A باید قبل از ولادت A را دارا باشد و چون والد قبل از تولید، A را دارا است حتماً A به عنوان مولود با والد سنخیت دارد، برای همین اگر والد تنها A است تنها A را می‌تواند از خود تولید کند و برای تولید امور مرکب نیازمند واسطه خواهد بود و الا اگر بدون واسطه، امر مرکبی همچون A و B از او خارج شود، نشان دهنده ترکیب ذات آن خواهد بود، که این خلف است.

در کتاب آموزش فلسفه مساله این گونه توضیح داده می‌شود:

سنخیت را می‌توان با برهان عقلی اثبات کرد و تقریر آن این است: چون علت هستی‌بخش، وجود معلول را افاضه می‌کند - و به تعبیر مسامحی به معلول خودش وجود می‌دهد - باید خودش وجود مزبور را داشته باشد تا به معلولش بدهد و اگر آن را نداشته باشد نمی‌تواند اعطا و افاضه کند (معطی الشیء لا یکون فاقداً له) با توجه به اینکه با اعطای وجود به معلول چیزی از خودش کاسته نمی‌شود، روشن می‌گردد که وجود مزبور را به صورت کامل‌تری دارد، به گونه‌ای که وجود معلول شعاع و پرتوی از آن محسوب می‌شود» (مصباح یزدی، 90/2).

جالب آن است که اگر این تحلیل را همچنان ادامه دهیم، اضافه بر لوازم گفته شده به بسیاری از لوازم فلسفی دیگر همچون قاعده امکان اشرف و محال بودن ظفره در وجود به نحو ضرورت خواهیم رسید. بنابراین از حیث تحلیلی، لوازم صدور و ولادت یکسان است؛ البته ولادت بیشتر برای موجودات زنده و صدور برای اشیای غیرشاعر به کار می‌رود. برای همین انتساب ولادت به خداوند نسبت به انتساب صدور ارجحیت دارد.

## 5- بررسی لوازم ولادت و صدور در دو دیدگاه

برای فهم نزدیکی معنای ولادت و صدور در دو دیدگاه و همچنین از آنجایی که ممکن است گفته شود در اسفار یا بیانیة شورای نقیه لفظ صدور یا ولادت به معنای حقیقی به کار نرفته است بلکه صاحبان این دو دیدگاه این دو را به معنایی دیگر به کار برده‌اند. ضروریست که لوازم تحلیلی صدور و ولادت را در دو دیدگاه بررسی کنیم بدین معنا که اگر دو دیدگاه لوازم صدور و ولادت را نقل کنند و آنها را بپذیرند می‌فهمیم که این دو مفهوم نخست: به معنای حقیقی به کار رفته‌اند دوم: ولادت در بیانیة شورای نقیه همان صدور در اسفار اربعه است. و به این دو دلیل هر دو به ضرورت وجود وسایط در آفرینش روی آورده‌اند.

### 5-1- لوازم ولادت و صدور در اسفار

ملاصدرا به تبع فلاسفه، هستی و به ویژه عقل اول را صادر از خداوند می‌داند و در این صدور لوازم

معنای حقیقی صدور دیده می‌شود؛ بدین معنا که عقل اول از ذات علت (خداوند) تنزل، ترشح، خروج پیدا کرده<sup>1</sup> و از ذات واجب جوشیده است (ملاصدرا، اسفار، 277/6). صادر اول مسبوق به عدم نیست و موجود به وجود خداوند و نه به ایجاد اوست<sup>2</sup>. همچنین همه اشیاء قبل از صدور در ذات واجب بوده است<sup>3</sup>، بلکه هر کمالی قبل از فیضان در علت خود موجود است<sup>4</sup>. برای همین بعد از فیضان با واجب الوجود سنخیت دارد<sup>5</sup>. و از آنجایی که واجب بسیط است تنها بسیط را می‌تواند از خود صادر کند و همه چیز به وسیله این واسطه ایجاد می‌شود.

البته ممکن است الفاظ متعددی به جای لفظ صدور همچون ترشح (ملاصدرا، اسفار، 206/6)، انبجاس (همان، 278)، تنبع (همان، 277)، فیض (همان، 134)، تنزل (همو، 141/9)، اشراق (همو، 65/1)، جوشش، سرریز شدن، پرتو افشانی و انبثاق (رحیمیان، 67) به کار برده شود، اما باید دانست که در همه آنها همانند واژه صدور معنای خروج چیزی از چیزی وجود دارد؛ و بر اساس این معنا می‌توان با تمسک به قاعده بدیهه «فاقد الشيء لم یکن معطی الشيء»<sup>6</sup> قائل به سنخیت بین خالق و مخلوق و قاعده الواحد شد، به همین سبب در توضیح نظریه افلوطین که ملاصدرا تحت تاثیر آن بوده است (عبودیت، 43/1) گفته شده است فیض و اشراق مبدأ خود را ترک می‌کند بدون آنکه مبدأ دچار کاستی و تغییر شود (رحیمیان، 68) که ملاصدرا با تعبیر انبجاس (جوشش) از واجب که در مورد خروج آب از چشمه به کار می‌رود (اعراف: 160) عین آن را از افلوطین نقل و تایید می‌کند (ملاصدرا، اسفار، 278/6). او غایت تحقیق را آن می‌داند که علت اولی همه فضایل است و فضایل از آن می‌جوشد (همان، 277). سبزواری در تعلیقه خود می‌نویسد اگر قائل به انفصال و تکرر وجود شویم این نگاه همان قول به تولید است (همان). با توضیحات گذشته پاسخ دو پرسش زیر روشن می‌شود که نخست چرا در فلسفه قاعده الواحد بدیهه در نظر گرفته می‌شود؟ چرا در فلسفه اسلامی بین علت و معلول ضرورتاً سنخیت برقرار است؟

الف) الواحد لا یصدر منه الا الواحد.

ب) الواحد لا یتولد منه الا الواحد

1. «صدور سائر الاشیاء الخارجیة فی كونها مترشحة عن ذاته» (ملاصدرا، اسفار، 206/6).  
2. «العقول... هی وسائط صدور الاشیاء عن الحق تعالی... فلها الاولیة بأولیته و الآخریة بأخریته كما أنها موجودة بوجوده لا بإیجاده - باقیه بقیانه لا بإیقانه لأنها كما علمت بمنزلة أشعة نوره و لوازم هویته» (همان، 141/9).  
3. «و هو الواجب عالم الاله الذي فی وجود جمیع الاشیاء» (همان، 155/6).  
4. «كلما تحقق شيء من الكمالات الوجودیة فی موجود من الموجودات فلا بد أن یوجد أصل ذلك الكمال فی علته علی وجه أعلى و أكمل» (همان، 269/6).  
5. «كل ما عداه فهو فیضه، فلا یكون امرأ مبانئاً عنه» (جوادی آملی، علی بن موسی الرضا و الفلسفه الالهیه، 39).  
6. ملاصدرا: «مبدأ كل فضیله اولی بتلك الفضیله... فمبدأ كل الاشیاء و فیاضها یجب أن یكون كل الاشیاء علی وجه ارفع و اعلی»، تعلیقه سبزواری: «معطى الخیر و الكمال لا یكون فاقداً له» (ملاصدرا، اسفار، 116/6).

منکر صدق گزاره الف و ب در صورتی که معنای واحد، صدور، تولد و سنخیت درست تصور شود (جوادی آملی، رحیق مختوم، 388/8) منکر ضروریات و فطریات است (میرداماد، 351). چون «سنخگوی قاعده خود قاعده است» (جوادی آملی، رحیق مختوم، 413/8). بدین معنا که اگر معنای صدور درست تصور شود روشن می شود که از شی همان برون تراود که در درون اوست و اکنون که درون آن شی جز A نیست، جز A را از خود صادر نخواهد کرد. چون اگر بی واسطه موجودی مرکب از A و B از شیء صادر شود، نشان دهنده آن است که آن شیء تنها A نبوده است که این خلف است. بنابراین با تصور درست مفهوم صدور، ضرورت سنخیت بین علت و معلول روشن می شود، و به تبع آن صادر نخست<sup>1</sup> به عنوان واسطه فیض ضرورتاً اثبات می شود.

«در باره صادر نخست، حکمای مشاء و اشراق با استفاده از قاعده سنخیت به قاعده الواحد می رسند و به دنبال آن صادر نخست و ... را ثابت می کنند» (جوادی آملی، رحیق مختوم، 72/10). اما دلیل خود سنخیت، انبجاس، ترشح، صدور، تنزل و خروج اشیاء از ذات الهیست. بدین معنا تا A در درون مصدر نباشد امکان صدور نخواهد داشت؛ برای همین مصدر بسیطی که تنها A است، تنها A از آن خارج می شود.

طبیعت چون بر اساس صدور و خروج چیزی از چیزی استوار است نیز ضرورتاً بر اساس سنخیت عمل می کند، از این رو گفته می شود اگر سنخیت را عام ندانیم صدور هر چیزی از چیز دیگر جایز خواهد بود (جوادی آملی، رحیق مختوم، 401/5). برخی محققین به این نکته توجه داشته اند که قاعده الواحد تنها بر پایه سنخیت بین واجب و ممکن قابل تبیین است، اما خود سنخیت را با در نظر گرفتن فاعل الهی بودن واجب سازگار نمی دانند (یثربی، 311، 329 و 612). البته بعداً توضیح خواهیم داد که طبیعت بر خلاف فاعل الهی به نحو تجافی و نه تجلی اشیاء را از خود صادر می کند؛ برای همین بر خلاف فاعل الهی دچار نقصان و تغییر می شود. برای همین صدور و ولادت به نحو تجلی با فاعل الهی سازگار است، اما صدور و ولادت به نحو تجافی چون به تغییر ذات می انجامد، با فاعل الهی سازگار نیست.

### 5-2- لوازم صدور و ولادت در بیانیه شورای نطقیه

ولادت و زایش محور بیانیه شورای نطقیه است. همچنین باور به ولادت جایگاه ویژه ای در تفکر مسیحیت دارد به گونه ای که می توان ترجیح بند اعتقادات آنها را مساله ولادت ذکر کرد، هر چند این مساله از ابتدا جزء عقاید آنها نبوده است یا حداقل جزء ضروریات دین مسیحیت به شمار نمی رفته است، بلکه

1. «وحدت و بساطت صادر نخست بدون استفاده از قاعده الواحد اثبات نمی شود» (جوادی آملی، رحیق مختوم، 414/8).



مسأله مخلوق بودن یا پسر بودن حضرت عیسی علیه السلام معرکه آراء بوده است و شاید بیشترین تعارض آرائی که نسبت به این مسأله خود را ظاهر کرده است در شورای نطقه باشد (روبنستاین، 22).

در ابتدای قرون اولیه مسیحیت دو نگاه به رابطه حضرت عیسی علیه السلام و خداوند بوده است برای همین نزاع بر سر ازلی و الهی بودن بودن مسیح به رهبری آتاناسیوس که تحت تاثیر افلاطون بود (ولفسن، 330) و مخلوق و غیر الهی بودن آن به رهبری آریوس به شکل وسیعی بوده است. آریوس الوهیتی که لوگوس (همان مسیح ازلی) (همان، 385) را که فلاسفه آباء اولیه کلیسا همانند ایرنایوس و اورینگن مطرح می کردند، نفی می کرد (ولفسن، 603) که سرانجام جریان آریوس در شورای متشکل از مسیحیان شکست می خورد و عقاید زیر به عنوان اعتقادات اکثریت مسیحیان مورد پذیرش واقع می شود. در این بیانیه همانند اسفار ملاصدرا لوازم ولادت و صدور مورد پذیرش قرار می گیرد، که در مطالب بعد برای فهم نزدیکی صدور و ولادت به نقل این بیانیه سپس تطبیق لوازم ولادت در آن با لوازم صدور نزد ملاصدرا می پردازیم:

«ما ایمان داریم به خدای یکتا، پدر قادر مطلق، آفریدگار آسمان و زمین و هر آنچه پیدا و ناپیداست

I believe in one God the Father almighty maker of heaven and earth, of all things

visible and invisible

1- ما ایمان داریم به خداوند واحد عیسی مسیح، پسر یگانه زاییده شده از خدا

I believe in one Lord Jesus Christ, the Only **Begotten** Son of God

2- مولود ازلی پدر.

**born** of the Father before all ages

3- او خداست از خدا، نور از نور

God from God, Light from Light

4- خدای حقیقی از خدای حقیقی

true God from true God

5- که زاده شده و آفریده نشده است

**begotten**, not made

6- هم ذات با پدر

consubstantial with the Father

7- به واسطه او همه چیز آفریده شد.

through him all things were made

8- او به خاطر ما انسان ها و برای نجات ما از آسمان پایین آمد و انسان گردید.

For us men and for our salvation he came down from heaven

9- به قدرت روح القدس، از مریم باکره تن گرفت و انسان گردید...» (مفتاح، قنبری، سلیمانی، 96).

and by the Holy Spirit was incarnate of the Virgin Mary, and became man

در عبارت شماره 1 یگانگی مولود نخست همانند صادر نخست در حکمت متعالیه (ملاصدرا، اسفار، 116/7) مورد پذیرش قرار می‌گیرد. هر چند ملاصدرا وحدت صادر نخست را حقه حقیقه می‌داند که فراتر از وحدت حقیقی است

در عبارت شماره 2 مولود نخست ازلی است همانگونه که صادر نخست نزد ملاصدرا نیز ازلی است. برای اینکه لازمه صدور و ولادت ازلی بودن شی است.

در عبارت شماره 3، 4 و 6 بین مولود نخست با والد سنخیت برقرار است، همانگونه که بین صادر نخست با واجب در حکمت صدرا نیز سنخیت برقرار است (طباطبایی، 166) چون لازمه صدور و ولادت سنخیت بین والد و مولود یا مصدر و صادر است.

در عبارت شماره 5 مولود مسبوق به عدم نیست، همانگونه که نزد ملاصدرا صادر نخست نیز مسبوق به عدم نیست. همین مسأله در انجیل یوحنا اینگونه بیان شده است: «در ازل کلمه بود. کلمه با خدا بود و کلمه خود خدا بود. از ازل کلمه با خدا بود (کتاب مقدس، یوحنا، 2) «همه چیز به وسیله او هستی یافت و بدون او چیزی آفریده نشد...» (کتاب مقدس، یوحنا، 2).

نکته مهم در این عبارت این است که در آن ولادت در مقابل آفریده شدن قرار گرفته است، که نشان دهنده این مطلب است که مسیحیان برای نشان دادن ازلی بودن و حادث زمانی نبودن حضرت عیسی علیه السلام واژه ولادت و زایش را انتخاب کرده‌اند نه این که اعتقاد داشته باشند که عیسی علیه السلام همچون یک موجود جسمانی زاده شده از خدا است. در شرح این بیانیه اینگونه آمده است:

«اولین شورای کلیسای جهانی نقیه در سال 325 در اعتقادنامه اش اقرار کرد که پسر خدا مولود است نه مخلوق، و هم ذات با پدر است و آریوس را که عقیده داشت پسر خدا از عدم به وجود آمد و از جوهر دیگری غیر از جوهر پدر است محکوم کرد» (مفتاح، قنبری، سلیمانی، 161).

از بیان فوق روشن می‌شود که استعمال واژه ولادت و زایش برای عیسی مسیح برای دوری جستن از مخلوق بودن و مسبوق به عدم بودن عیسی علیه السلام و در کل نفی عقاید آریوس<sup>1</sup> بوده است همانگونه

1. سخن آریوس این بود که: «خدای بی‌آغاز پسر را آغازی بخشید که به چیزها بخشیده بود و او را به مقام فرزندخواندگی خود رساند» (روبنستاین، 73).

عباسی، عبیدوئی؛ تحلیل مفهوم صدور و ولادت و لوازم آنها در اسفار اربعه و بیانیه شورای نقیه/139

که لفظ صدور برای رساندن معنای ازلیت و سنخیت صادر اول با واجب در حکمت متعالیه است. مسیحیان بحث ولادت را مطرح می‌کردند تا سنخیت و شباهت حضرت مسیح با خداوند را با تحلیلی که در ابتدای مقاله گذشت را اثبات کنند (ولفسن، 3-340).

برای همین توماس بین مخلوق و مولود تفاوت قائل می‌شود در جریان خلقت اشیاء از عدم ایجاد می‌شوند، ولی در جریان زایش چیزی از ذات پدر متولد می‌شود به نظر توماس خدای پدر منشاء صدور پسر است و پدر و پسر منشاء صدور روح القدس. پسر یا کلمه همان عقل الهی است که در آن صورت همه اشیاء وجود دارد و از طریق آن جهان آفریده شده است (سید هاشمی، 259).

عبارت شماره 7 ضرورت توسل به مولود اول را می‌رساند که مفاد آن همان ضرورت توسل به صادر نخست برای آفرینش بر اساس قاعده الواحد در نگاه ملاصدرا است که مفاد آن صدور تنها یک موجود هم‌ذات و هم‌سنخ با خداوند است و وساطت صدور و خلقت سایر موجودات را دارد. البته ضرورت وجود واسطه در موارد متعددی از کتاب مقدس که بر این بیانیه تأثیر داشته است آمده است؛ به عبارت‌های زیر دقت کنیم:

«با فیض خدا، همه به وساطت عیسی مسیح که آنان را آزاد می‌سازد» (رومیان: 3، 24).

«همه چیز به وسیله او (کلمه یا همان مسیح) هستی یافت و بدون او چیزی آفریده نشد» (کتاب مقدس، یوحنا، 2).

«برای ما فقط یک خدا هست یعنی خدای پدر که آفریننده همه چیز است و ما برای او زندگی می‌کنیم و فقط یک خداوند وجود دارد، یعنی عیسی مسیح که همه چیز به وسیله او آفریده شد و ما به وسیله او زیست می‌کنیم» (اول قرنتیان: 7، 6).

مورد 8 و 9 می‌تواند اشاره قوس نزول در اسفار اربعه باشد (ملاصدرا، اسفار، 348/5). و این که اولین موجودی که در این سلسله موجودات نازل می‌شود، عقل اول است.

نتیجه آن است که پذیرش ولادت در این بیانیه ضرورتاً به پذیرش لوازم ذکر شده به ویژه وجود وسایط در تحلیل مفهومی صدور و ولادت و اسفار اربعه می‌انجامد و این تنها به این علت است که صدور همان ولادت است و ولادت همان صدور است. یکی از معاصران مسیحی همانند کشیش گریگوری نرسیسان (کشیش ارامنه تهران) در تأیید سخن فوق اینگونه می‌گوید: «همان طور که یوحنا رسول می‌گوید که کلمه نزد خدا بود، به همان ترتیب نیز می‌گوید که روح القدس از پدر صادر می‌شود. زیرا صدور همان

تولد است و تولد همان صدور است»<sup>۱</sup>.

## ۶- اقرار دو دیدگاه به ولادت به جای صدور

ولادت و صدور هر دو ضرورتاً به لوازم یکسانی به ویژه وجود وسایط می‌انجامند و این نشان دهنده نزدیکی این دو مفهوم است. شاهد دیگری که این نزدیکی را نشان می‌دهد به کاربرد آنها در دو جریان فکری به جای یکدیگر برای نشان دادن کیفیت رابطه واجب و صادر نخست است.

عبارات زیادی در انجیل وجود دارد که در مورد فرزند بودن حضرت عیسی نسبت به خدا تصریح شده است، از جمله در انجیل متی می‌گوید: «و کسانی که در قایق بودند به پای او افتاده می‌گفتند تو(عیسی علیه السام) واقعاً پسر خدا هستی»(متی، ۱۴: ۳۳).

مسیحیان همان‌طور که واژه زایش و ولادت را برای حضرت مسیح به کار می‌برند واژه صدور را نیز برای حضرت مسیح به کار می‌برند(ناس، ۴۲۵).

پولس و آباء اولیه کلیسا تا آتاناسیوس که همگی در شکل‌گیری بیانیه شورای نیقیه نقش داشته‌اند. نیز رابطه خداوند با صادر اول را صدور می‌دانستند. به عنوان مثال والتینوس الهی دان مسیحی گنوسی مصری در سده دوم میلاد پدر اول یا خدا را موجودی می‌داند که عزم کرده تا عقل را از خود صادر کند و نیز در وصف او می‌گوید که او کسی است که عقل را از خود صادر کرده است. و همچنین در اندیشه اوفیت‌های ایرنایوس از الهی‌دانان بزرگ مسیحی که در ۱۳۰ م زاده شده، اصطلاحات مورد استفاده در ترجمه لاتینی ایرنایوس عبارتند صادر کردن، پدید آوردن، سریز شدن و صادر شد «emisit» و در یونانی همان سخنانی است که از تئودورت(نویسنده و اسقف مسیحی انطاکیه در سال ۳۹۳ م) نقل شده اصطلاحات مورد استفاده عبارت‌اند از: «مولود شده است» و «صادر شد» است(ولفسن، ۵۷۴).

در مقابل ملاصدرا نیز به جای لفظ صدور در موارد متعددی از لفظ ولادت استفاده می‌کند؛ به عنوان نمونه: ملاصدرا موالید وجودیه را متولد از ازدواج قوه فاعل و قوه قابل(ملاصدرا، اسفار، ۱/۲۳۱) و ازدواج اسماء الهی به عنوان موجودات عینی را موجب تولد اسماء مرکب جدیدی می‌داند(جوادی آملی، رحیق مختوم، ۹/۵۶۴- ملاصدرا، اسفار، ۲/۳۱۴)، اشیاء را متولد از عقول که بسیط و مجردند می‌داند(همان، ۳/۴۰۵ و ۶/۱۹۵) او اشیاء را متولد از قلم یا همان عقل و لوح یا همان نفس کلی و هیولی می‌داند(همان، ۶/۳۰۳). رأی اکثر قدم‌ها را در این می‌داند که مبدا تدبیر عالم کون و فساد متولد از عقول است(همان،

۱. همایش مفهوم حکمت در ادیان توحیدی ۹۶/۸/۲۹ نوشته شده در تاریخ ۱۱:۲۱ 1396/09/04 در حوزه‌های تک صفحه‌ای.

عباسی، عبیدای؛ تحلیل مفهوم صدور و ولادت و لوازم آنها در اسفار اربعه و بیانیه شورای نیقیه/141

400/6). البته این تعبیر نزد عرفا که ملاصدرا تحت تاثیر آنها بوده (عبودیت، 43/1) و سایر فلاسفه نیز دیده می‌شود.

«انما الحق الذی اعرفه      والد الكون و کونی ولده» (ابن عربی، الفتوحات المکیة، 416/3).

«فانه لم یکن له کفوا احد      عجبا عن تنزیه عن الصاحبه و الولد

عنه تولد فی العالم ما تولد      من ذی روح او جسم و جسد» (همان، 349/4).

ابن‌سینا موجودات را متولد از عقول می‌داند و می‌نویسد:

«انه مبدا کل موجود عقل اوائل الموجودات عنه و ما يتولد عنها» (ابن‌سینا، الهیات من کتاب الشفاء،

385).

شارحان و پیروان ملاصدرا نیز تحت تاثیر او نیز مفهوم ولادت را به جای صدور به کار می‌برند و معتقدند که عالم طبیعت متولد از عالم لاهوت است:

یک جمله که بسیار بلند است و به چشم می‌خورد این است که الولد سر ایبه که مراد اتحاد حقیقت و فیضان وجود ولد است از جمیع اجزای وجود والد ... و چون نشئه ملک و ناسوت عالم متولد از مقام لاهوت است بلکه هر معلولی زاییده‌ای از علتش می‌باشد چنان که حضرت عیسی علیه السلام فرمود «انی ذاهب الی ابی و ابيکم السماوی» ... درست دقت شود که عیسی روح الله است و درباره تو هم «نفخت فیه من روحی» آمده است و چون این مناسبت با عیسی روح الله ثابت است، او به سوی پدر روانه شد تو هم جان پدر سوی پدر شو (حسن‌زاده، 133).

استناد به سخن این بزرگان برای آن است که بر الفاظ جمود نکنیم و دیدگاه ملاصدرا را به خاطر کاربرد الفاظ صدور و ولادت مادی ندانیم، چون معنای ولادت و صدور در سخن این بزرگان به معنای عرفی و جسمانی آن نیست که موجب نقص پروردگار شود بلکه به معنای تجلی و ظهور است.

## 7- توجیه ولادت و صدور در دو نگاه

### 7-1- توجیه ولادت و صدور در اسفار

از آنجایی که صدور و ولادت معنایی مادی‌انگارانه دارند و در نظر ملاصدرا از چنین معنایی توالی باطلی همچون جسمانی و مرکب بودن خداوند و تعدد قدمای لازم می‌آید (ملاصدرا، مجموعه رسائل فلسفی صدرالمتألهین، 435) دو پرسش مهم مطرح می‌شود:

**الف:** آیا لازمه صدور و ولادت در نگاه ملاصدرا مادی‌انگاری خداوند است؟

پاسخ به پرسش فوق منفی است. و دلیل آن این است که در همه آثار ملاصدرا تاکید بر بساطت،

فعلیت صرف، تجزیه ناپذیر بودن خداوند شده است. برای همین ملاصدرا انتساب صدور و ولادت به این معنا را به خداوند رد می‌کند (ملاصدرا، مجموعه رسائل فلسفی صدرالمتهلین، 435).

ب: پس این صدور و ولادت چگونه اتفاق می‌افتد؟

پاسخ این است که این صدور به نحو تجلی و نه تجافی است (جوادی آملی، توحید در قرآن، 386؛ برای بررسی بیشتر: همو، جرعه‌ای از صهبای حج، 201 و همو، تسنیم، 560/11 و همو، صورت و سیرت انسان در قرآن، 47، همو، شریعت در آینه معرفت، 200). به این معنا که شی صادر شده پس از صدور به مرتبه دانی، وجود خود را در مرتبه عالی حفظ می‌کند. به همین خاطر در مرتبه عالی (خداوند) هیچ تغییری ایجاد نمی‌شود. در این نگاه حقیقت واحد است و همه اشیاء، شئون، رشحات، حیثیات، فنون، اطوار، سایه، درخشش و تجلیات آن حقیقت واحد است (ملاصدرا، اسفار، 46/1). که از ذات آن حقیقت جوشیده‌اند. این اشیا موجودند اما به وجود خداوند، و هیچ انفصال، مباینت و استقلال از آن ندارند (صدرالمتهلین، الشواهد الربوبية، 49). که با نفی ثنویت نمی‌توان نام این رابطه را اتحاد یا حلول گذاشت (همان، 50). بنابراین با انتساب صدور و ولادت به نحو تجلی به خداوند دیگر توالی باطلی که ملاصدرا در نفی ولادت بیان کرده است وجود ندارند تا گفته شود چگونه ملاصدرا از جهتی ادله‌ای در نفی ولادت ذکر می‌کند و از جهتی دیگر صدور و ولادت و لوازم آنها را می‌پذیرد؛ پاسخ آن است که صدور و ولادت دو قسم است: صدور به نحو تجافی و صدور به نحو تجلی؛ آنچه لوازم باطلی همانند جسمانیت و تغییر در ذات خداوند را دارد، صدور و ولادت به نحو تجافی است.

بنابر مبانی ملاصدرا گفته نشود قول به صدور و ولادت مخالف دین است، چون با توضیحات فوق روشن می‌گردد که آنچه دین نفی می‌کند ولادت به نحو تجافی است نه ولادت به نحو تجلی. چنین پاسخی در حل تعارض بین دین و فلسفه فراوان است؛ به عنوان نمونه، در دین جهان حادث معرفی می‌شود و در حکمت متعالیه بر قدم عالم تاکید می‌شود؛ راه حل برون رفت از این تعارض در فلسفه اسلامی این است که گفته می‌شود حدوث دو قسم است: حدوث زمانی و حدوث ذاتی، و آنچه حکمت متعالیه نفی می‌کند حدوث زمانی کل ماسوای واجب است، نه حدوث ذاتی، و آنچه دین اثبات می‌کند حدوث ذاتی است نه زمانی؛ بنابراین تعارضی بین دین و فلسفه وجود ندارد.

## 7-2- توجیه به کارگیری ولادت و صدور در بیانیه شورای نیکه

برای توجیه قول به ولادت مسیحیان می‌توان جوهی را ذکر کرد:

7-2-1- انجیل تصریح دارد بر اینکه عیسی علیه السلام با زبان تمثیلی سخن گفته؛ بنابراین باید احتمال داد که ذکر ولادت معنای مادی نداشته باشد بلکه از باب تمثیل باشد که بخواهد شدت ارتباط و

عباسی، عبیدوئی؛ تحلیل مفهوم صدور و ولادت و لوازم آنها در اسفار اربعه و بیانیه شورای نقیه/143

مسانخت خداوند و مسیح یا ازلیت مسیح را همانند شدت ارتباط مسانخت واجب و صادر اول یا ازلیت صادر اول را بیان کند؛ اما مسیحیت عبارت ولادت را مناسب تر دانسته، و ملاصدرا عبارت صدور را مناسب دیده است. برای همین انجیل می گوید:

«جز با تمثیل با آنها صحبت نکرد اما توضیح همه چیز را به شاگردان خود می داد» (متی 13، مرقص 4).

برای همین در ابتدا شخصیت هایی همچون پولس یا یوحنا واژه های پسر، نخست زاده و یگانه مولود را به معنای مجازی به کار می بردند (ولفسن، 327).

7-2-2- هیچ یک از آباء اولیه کلیسا که پایه گذار بیانیه شورای نقیه هستند کسانی را تصریح به این مطلب کرده اند که خداوند زایش و ولادتی همچون ما انسان ها دارد سرزنش نکرده اند، بلکه آباء اولیه کلیسا گنوسی ها را به خاطر استعمال واژه صدور به معنای ظاهری پیدایش مورد انتقاد قرار می دادند (ولفسن، 330-3) برخی از آنان همچون اوریگن، ترتولیان، لاکتاتیوس، یوستین شهید و ایرنایوس تاکید می کنند که نباید از معنای صدور معنایی مادی به نحو بریدن و تجزیه کردن و جدا کردن برداشت کرد (همان، 3-330).

همچنین در انجیل یوحنا فرزند شدن را همانند تولدهای معمولی و جسمانی نمی داند، بلکه تولد جسمانی را از خداوند نفی می کند:

«به همه کسانی که او را قبول کردند این امتیاز را داد که فرزندان خدا شوند که نه مانند تولدهای معمولی و نه در اثر تمایلات نفسانی یک پدر جسمانی، بلکه از خدا تولد یافتند» (کتاب مقدس، یوحنا، 2).

یوستین شهید معتقد است ولادت مسیح همانند کلمه است که آن را ادا می کنیم این کلمه مولود ماست هنگامی که آن را ادا و بیرون می فرستیم به طریق بریدن و جدا کردن نیست تا پس فرستادن آن به بیرون دچار کاستی و نقص شود (ولفسن، 332).

آتاناسیوس نیز باور دارد که ولادت به نحو بهر مندی از خداوند است بنابراین موجب تاثیر پذیرفتن، تقسیم و تجزیه خداوند نمی شود (همان، 330).

یا در کتاب تعالیم کلیسای کاتولیک در شرح بیانیه شورای نقیه آمده است «حادثه بی نظیر و منحصر به فرد تجسد پسر خدا به این معنا نیست که عیسی مسیح قسمتی خدا و قسمتی انسان است و مستلزم آن نیست که او نتیجه ترکیب مبهم دو عنصر الهی و بشری باشد او واقعاً انسان شد و واقعاً خدا باقی ماند» (مفتاح، قنبری، سلیمانی، 159).

7-2-3- مادی‌انگاری ولادت و صدور در بیانیه‌ی شورای نیکه مخالف مبانی و اعتقادات تاثیرگذاران بر آن به ویژه آباء اولیه کلیسا در مورد خداوند است. آنان همانند ملاصدرا خداوند را موجودی بسیط، مجرد و مطلق می‌دانند چگونه با فرض بساطت خداوند بتوانند قائل به صدور اشیاء یا ولادت چیزی از خداوند به معنای مادی آن باشند.

اورینگن می‌گوید با اینکه مجرد بودن خدا و به تعبیر دیگر جسمانی نبودن خداوند در کتاب مقدس مطرح نشده است باید بررسی کرد که آیا آنچه فیلسوفان یونانی غیرجسمانی می‌نامند در کتاب مقدس ذیل نام دیگری یافت می‌شود یا نه؟ او به آیتی از کتاب مقدس در این باره استناد می‌کند: «خدا را هرگز کسی ندیده است» (یوحنا، 1: 18). «او صورت خدای نادیده است» (کولیسان، 1: 15)، «خدا روح است» (یوحنا، 4: 24) (گندمی نصرآبادی، 244).

کلمنت اسکندرانی عدم شباهت خداوند با دیگر موجودات را از عهد عتیق استنباط کرده است: «پس مرا به که تشبیه می‌کنید تا با وی مساوی باشم»؛ «پس خداوند را به که تشبیه می‌کنید و کدام شبه با او برابر می‌توان کرد» (اشعیا، 18، 40).

آگوستین قدیس خداوند را اینگونه وصف می‌کند:

«... تنها وجود تو بسیط است؛ تویی که برایت میان حیات و سعادت، مفارقتی نیست و سعادت ازلی عین ذات توست» (آگوستین، 387).

برای همین اگر بتوان در حکمت صدرا وقتی به مسأله صدور و ولادت می‌رسیم معنای مادی از آن برداشت نکنیم بلکه آن را از متشابهات می‌دانیم که باید آن را به محکومات برگرداند و از جمله محکومات نفی جسم بودن از خداوند در کلام ملاصدراست همین توجیه را برای شورای نیکه می‌توان ذکر کرد. شاهد سخن فوق آن است که اکهارت عارف بزرگ عالم مسیحیت در قرن 13 توانسته براساس نظریه تجلی ولادت را توجیه کند و به نظریه تجلی همچون ابن عربی کاملاً نزدیک شده و تثلیث را بر این اساس توجیه کرده است. برای همین است که علامه طباطبایی به آثار اکهارت علاقه نشان داده است (کاکایی، وحدت وجود به روایت ابن عربی و مایستراکهارت، 11).

برخی عبارت‌های تاثیرگذاران بر این بیانیه نیز تایید کننده سخن فوق است عبارت زیر از گریگوری (زاده 335 م) اهل نیسا نیز اشاره به این مطلب می‌کند:

«خداوند تقسیم شده است بدون آنکه تقسیم شده باشد... در همان حال که تقسیم شده است واحد و به هم پیوسته است؛ الوهیت یکی است در سه و سه در یکی...» (آنبالو و دیگران، 256).

شخصیتی همانند سابلین که پیش از سده ی سوم میلادی زندگی می‌کرده است معتقد بود:



عباسی، عبیدوئی؛ تحلیل مفهوم صدور و ولادت و لوازم آنها در اسفار اربعه و بیانیه شورای نیقیه/145

«پدر، پسر و روح القدس سه نمود از یک خدا هستند یا به تعبیری دیگر پدر، پسر و روح القدس، سه مظهر گوناگون یک خدا هستند، پدر پسر و روح القدس را می‌توان همانند نقاب‌هایی که در نمایش‌ها در اختیار یک هنر پیشه هستند تصور کرد تنها یک هنر پیشه وجود دارد اما او می‌تواند تنها با استفاده از سه نقاب سه نقش متفاوت ایفا کند و مسیحیان گاهی با او در هیئت پدر و گاه در هیئت روح القدس و گاهی در هیئت پسر برخورد کنند» (همان: 255).

حکمت متعالیه جریان صدور را به کل جهان نسبت می‌دهد آن را بر اساس وحدت در کثرت و کثرت در وحدت توجیه می‌نماید اما آبی اولیه کلیسا جریان صدور را تنها در اقامیم ثلاثه مطرح می‌کنند. آنان در این رابطه تعبیری را دارند که می‌تواند ناظر به تشکیک هر چند در بعد محدودتر باشد بدین شکل که در اعتقادنامه آتاناسیوس که تحت تاثیر آگوستین بوده است آمده که: «ما خدای واحد در تثلیث و تثلیث در واحد را می‌پرستیم» (ولفسن، 377).

## 8- تاثیر پذیری هر دو جریان از فلسفه نو افلاطونی

در این قسمت در پاسخ به این پرسش‌ها که: 1- چرا هر دو نگاه رابطه خداوند با مخلوقات را صدور یا ولادت می‌دانند؟ 2- چرا در هر دو نگاه لوازم صدور و ولادت به ویژه وجود وسایط پذیرفته شده است؟ پاسخ آن است که چون هر دو بسیار تحت تاثیر جریان واحدی بوده‌اند و آن جریان فلسفه یونانی به ویژه حکیم الهی افلوپین است، افلوپینی که اشیاء را زاییده شده از خداوند می‌داند، البته به نحوی که در خداوند تغییر ایجاد نشود.

ملاصدرا تحت تاثیر فلسفه یونان<sup>1</sup> و به ویژه افلوپین بوده است (عبودیت، 43/1)؛ برای همین او رابطه خداوند و مخلوقات را به نحو انبجاس می‌داند. او این تعبیر را که در مورد خروج آب از چشمه به کار می‌برد را از افلوپین گرفته است (ملاصدرا، اسفار، 278/6). او غایت تحقیق را قول افلوپین می‌داند که علت اولی همه فضایل است و فضایل از آن می‌جوشد (همان، 277).

اما در مورد شورای نیقیه که محصول اندیشه آبی اولیه کلیسا از پولس تا آتاناسیوس است باید به تاثیر افلوپین بر این شخصیت‌ها نگاهی بیندازیم. آنها همانند ملاصدرا سخت تحت تاثیر فلسفه یونانی و به ویژه فلسفه افلاطونی بوده‌اند. قبل از آنها پولس مهمترین شخصیت تاثیرگذار در کتاب مقدس تربیتی یونانی داشته است و بسیاری از تعالیم فلاسفه یونان را در آثار خود می‌آورد (بریه، 301/2).

1. ملاصدرا حکمای یونان باستان همچون فیثاغورث، سقراط، افلاطون و ارسطو را اساطین حکمت می‌نامد که اشراق حکمت را به سبب وجود آنها در جهان می‌داند چون این حکما، حکمت را از مشکلات نبوت گرفته‌اند و هیچ اختلافی در اصول معرفت ندارند (ملاصدرا، رساله فی الحدوث، 242 و 243).

اورینگنس (185م) که پرکارترین و عالم‌ترین نویسنده مسیحی قبل از شورای نیکیه بود تمایل زیادی به سازش بین فلسفه افلاطونی و مسیحیت داشت. او تحت تاثیر فلسفه افلاطونی و نوافلاطونی بود و همانند ملاصدرا لوگوس را واسطه خلقت جهان می‌دانست یا اعتقاد به حدوث زمانی جهان را موجب خدشه‌پذیری تغییرناپذیری خداوند می‌دانست (کاپلستون، 35/2). کاپلستون اعتقاد دارد که او درباره اقا نیم ثلاثه گویی سخن می‌گوید که بیانگر نفوذ نظریه صدور نوافلاطونی است (همان، 35). به نظر می‌رسد او لفظ اقبوم را نیز از افلوپین گرفته است (ولفسن، 351). کلمنس اسکندرانی (150-219م) به عنوان اولین فیلسوف مسیحی مایل بود که مسیحیت را در ارتباط با فلسفه یونان ببیند (کاپلستون، 34/2). اتوسیوس قیصری نیز که از چهره‌های بزرگ مسیحیت در آغاز بود عقاید خود را بر پایه فلسفه نوافلاطونی پایه‌گذاری می‌کند. او معتقد است فلسفه یونان به خصوص مکتب افلاطون، بستری در دنیای کفر برای مسیحیت است (همان، 37). برای همین آباء کلیسا برای بحث درباره اعتقاداتی مانند تثلیث مقدس و وحدت اقبومی، از تعبیر و اصطلاحات فلسفی استفاده می‌کردند (همان، 37). بنابراین به طور کلی می‌توان گفت که آرای فلسفی متفکران مسیحی اولیه که پایه‌گذار اعتقادات مسیحیان در بیانیه شورای نیکیه هستند، ماهیت افلاطونی و نوافلاطونی داشت (همان، 19). حال جالب آن است که عقل اول یا همان صادر اول که در فلسفه یونانی و افلوپینی از آن تعبیر به لوگوس می‌شده است و به عنوان ابزار خداوند در ساختن جهان تلقی می‌شده است، به عنوان نخستین مولود خداوند یاد شده است (همان، 528/1). همین مولود نخستین زمانی که محور سخن در حکمت متعالیه قرار می‌گیرد به عنوان صادر نخستین از آن تعبیر می‌شود. بنابراین ملاصدرا در اسفار و اتاناسیوس در شورای نیکیه، تعبیر ولادت و صدور را وام‌دار فلسفه یونان و به ویژه افلوپین هستند به همین خاطر باید بررسی کرد که ولادت و صدور در فلسفه نوافلاطونی با توضیحی که درباره تجلی و تجافی گفته شد در فلسفه نوافلاطونی به کدام نحو است؟ در پاسخ باید گفت اگر افلوپین صدور را به نحو تجلی به کار برده است اتباع او در عالم مسیحیت نیز به چنین کاربردی نظر داشته‌اند. ولی حقیقت این است که در نظریه صدور افلوپینی، عالم طوری تصویر شده است که گویا به نحوی از خدا صادر می‌شود که خدا به واسطه آن دچار کاستی یا تغییر نمی‌شود (همان، 96/2).

ولفسن معتقد است که برداشت مسیحیان از صدور لوگوس همان برداشت افلوپین از صدور عقل است با این تفاوت که افلوپین صدور را عام ولی مسیحیان آن را مختص مسیح می‌دانند (ولفسن، 331). بر همین اساس آگوستین قدیس که تحت تاثیر افلوپین بوده است (آگوستین، 193) تاکید دارد که عالم مخلوقات تجلی و مظهر خداست، هر چند بسیار نارسا. می‌گوید: «اگر چیز قابل ستایشی در طبیعت اشیاء یافت شود، اعم از اینکه شایسته ستایش کم یا زیاد باشد، باید آن را به عالی‌ترین و وصف ناپذیرترین

عباسی، عبیدای؛ تحلیل مفهوم صدور و ولادت و لوازم آنها در اسفار اربعه و بیانیه شورای نیقیه/147

ستایش حمل کرد» و «خداوند نزد توست، تویی که خود نیز به یک تعبیر خدایی» (آگوستین، 320). از سویی دیگر خداوند به عنوان موجودی قائم به ذات و جاویدان و تغییر ناپذیر، نامتناهی است و در مقام امری نامتناهی غیر قابل ادراک است. خداوند عین کمال و بساطت محض است. بنابراین حکمت و معرفت او و خیر و قدرت او عین ذات اوست که محل عوارض نیست پس خداوند به سبب تجرد، عدم تناهی، و بساطت خود فراتر از مکان است» (کاپلستون، 91/2).

خلاصه بیان گذشته آن است که نزد افلوپین که منکر خلق از عدم است رابطه خداوند و صادر نخست به نحو انبجاس، جوشش، فیضان و در زبان یونانی معادل «آپورین» است (افلوپین، اثولوجیا (1378)، 279، کاپلستون، 537/1). برای همین نزد او صادر نخست هم سنخ با خداوند و واسطه در آفرینش است. اسفار ملاصدرا و بیانیه شورای نیقیه در تبیین رابطه واجب و صادر نخست تحت تاثیر افلوپین بوده‌اند، به این دلیل رابطه خداوند با اشیاء را صدور و ولادت دانسته‌اند و لوازم آن را به ویژه واسطه در آفرینش پذیرفته‌اند.

## نتیجه‌گیری

اسفار اربعه و بیانیه شورای نیقیه از مهمترین آثار فلسفه اسلامی و مسیحیت هستند در این دو منبع محوری‌ترین مفاهم صدور و ولادت است

در این تحقیق نخست: با تحلیل این دو مفهوم به لوازم مشترکی همچون خروج چیزی از چیزی، ازلیت، سنخیت بین والد و مولود یا مصدر و صادر و ضرورت توسل به وسائط در قوس نزول به نحو ضرورت رسیدیم که نشان دهنده آن است که بین صدور و ولادت ارتباط معنایی نزدیکی وجود دارد دوم: با بررسی این دو منبع روشن شد که در دو منبع گفته شده لوازم صدور و ولادت پذیرفته شده است باید گفت صدور در اسفار اربعه همان ولادت در شورای نیقیه است و هر دو طرف آن را به معنای حقیقی به کار برده‌اند. البته این کاربرد هر چند معنایی حقیقی است اما با صدور و ولادت به معنای مادی آن فرسنگ‌ها فاصله دارد و این به دلیل تفاوت بین ولادت و صدور به نحو تجلی و تجافی می‌باشد.

سوم: با بررسی دو اثر در موارد متعددی دیده می‌شود که مفهوم صدور به جای ولادت و مفهوم ولادت به جای صدور به کار برده می‌شود که نشان دهنده آن است که صدور می‌تواند معنای ولادت را برساند و بالعکس البته باز تاکید می‌شود نباید بر لفظ جمود کرد و از این دو لفظ، معنای مادی که مخالف عقل و نقل است استنباط کرد؛ بلکه در اینجا صدور و ولادت به نحو تجلی می‌باشد نه تجافی.

چهارم: تاکید بر صدور و ولادت در دو نظریه به خاطر تاثیرپذیری از جریان واحدی است که همان

## منابع

- آگوستین، اورلیوس، اعترافات، ترجمه افسانه نجاتی، انتشارات پیام امروز، تهران، ۱۳۹۱.
- آنبالو، شولامیت و دیگران، نگاه نو به تاریخ ادیان، کوشش، رحیم، انتشارات سبزان، چاپ سوم، ۱۳۹۷.
- ابن رشد، رساله مابعد الطبیعه، تصحیح رفیع العجم و جیرار جهامی، بیروت، دار الفکر، چاپ اول، ۱۹۹۴م.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله، التعليقات، مکتبه الاعلام الاسلامی، بیروت، ۱۴۰۴ق.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله، الهیات من کتاب الشفا، تصحیح و تعلیق حسن حسن زاده آملی، بوستان کتاب، قم، چاپ اول، ۱۳۹۴.
- ابنوعاشور، محمد الطاهر بن محمد بن محمد الطاهر، التحلیل و التئور، الدار التونسیه للنشر، چاپ اول، ۱۹۸۴.
- ابن عربی، محی الدین، فصوص الحکم، انتشارات الزهراء، تهران، ۱۳۶۶.
- ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیه، بیروت، دار صادر، بی تا.
- افلوپین، اثولوجیا، چاپ سوم، انتشارات بیدار، تهران، ۱۳۹۶.
- افلوپین، اثولوجیا، ترجمه عربی ابن ناعمه حمصی از تاسوعات فلوپین، ترجمه فارسی حسن ملکشاهی، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۷۸.
- بریه، امیل، تاریخ فلسفه، ترجمه علی مرادی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۹۵.
- حسن زاده آملی، حسن، ممدالهمم در شرح فصوص الحکم، چاپ اول، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۸.
- جوادی آملی، عبدالله، ()، تسنیم، اسراء، قم، ۱۳۹۲.
- جوادی آملی، عبدالله، توحید در قرآن، چاپ دوم، انتشارات اسراء، قم، ۱۳۸۵.
- جوادی آملی، عبدالله، جرعهای از صهبای حج، محقق حسن واعظی محمدی، اسراء، قم، ۱۳۸۸.
- جوادی آملی، عبدالله، ریح مختوم، چاپ سوم، اسراء، قم، ۱۳۸۶.
- جوادی آملی، عبدالله، شریعت در آینه معرفت، محقق حمید پارسانیا، چاپ پنجم، اسراء، قم، ۱۳۸۶.
- جوادی آملی، عبدالله، صورت و سیرت انسان در قرآن، محقق غلامعلی امین دین، اسراء، قم، ۱۳۸۱.
- جوادی آملی، عبدالله، علی بن موسی الرضا و الفلسفه الالهیه، اسراء، قم، ۱۴۲۲ق.
- لین، تونی، تاریخ تفکر مسیحی، ترجمه روبرت آسریان، چاپ پنجم، انتشارات فرزانه، ۱۳۹۶.
- الجوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیه، ج ۳، ویراستار عبدالغفور عطار، امیری، تهران - بیروت، ۱۳۶۸.

عباسی، عبیداوی؛ تحلیل مفهوم صدور و ولادت و لوازم آنها در اسفار اربعه و بیانیه شورای نیقیه/149

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت- دمشق، دار القلم- الدار الشامیه، 1412 ق.

رحیمیان، سعید، فیض و فاعلیت وجودی از فلوطین تا صدرالمتألهین، بوستان کتاب، قم، 1381.

روبنستاین، ریچارد ای، وقتی عیسی خدا شد، نشر مرکز، تهران، 1396.

سید هاشمی، سید محمد اسماعیل، آفرینش و ابعاد فلسفی آن در الفات اسلامی و مسیحی، انتشارات بوستان کتاب، قم، 1390.

طباطبایی، محمد حسین، نهاییه الحکمه، موسسه الامام الخمینی للتعلیم و البحث، الطبعة الثالثة، قم، 1388.

عبودیت، عبدالرسول، درآمدی به نظام حکمت صدرائی، سازمان مطالعه و تدوین علوم انسانی (سمت)، تهران، 1394.

فارابی، ابونصر، مجموعه رسائل، حیدرآباد دکن، بی تا.

کاپلستون، فردریک چارلز، تاریخ فلسفه، ترجمه ابراهیم مددجو، چاپ چهارم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، 1391.

کاکایی، قاسم، وحدت وجود به روایت ابن عربی و مایستراکهارت، هرمس، تهران، 1393.

یثربی، یحیی، تاریخ تحلیلی - انتقادی فلسفه اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، 1387.

کاکایی، قاسم، «گفتگوی اسلام و مسیحیت از دیدگاه ابن عربی و اکهارت»، نامه مفید، ش 34، 1388، ص 149-178.

گلسر، رونالد، تاریخ جادوگری، ترجمه ایرج گلسرخی، نشر علم، تهران، 1377.

گندمی نصرآبادی، رضا، فیلون اسکندرانی موسس فلسفه ی دینی، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، سازمان سمت، 1392.

ملاصدرا، محمد بن ابراهیم، مجموعه رسائل فلسفی صدرالمتألهین، تحقیق و تصحیح از حامد ناجی اصفهانی، حکمت، تهران، 1375.

ملاصدرا، محمد بن ابراهیم، الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، 1981 م.

ملاصدرا، محمد بن ابراهیم، الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه، تصحیح سیدجلال الدین آشتیانی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، 1360.

ملاصدرا، محمد بن ابراهیم، ( )، رساله فی الحدوث، بنیاد حکمت اسلامی صدر، تهران، 1378.

صدوق، ابی جعفر محمد بن علی، التوحید، انتشارات دار و مکتبه الهلال، الطبعة الاولى، 2009 م.

مجلسی، محمّدباقر، بحارالانوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت، 1403 ق.

- مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش فلسفه، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۹۰
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیرنمونه، چاپ ۴۲، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۹.
- میرداماد، محمدباقر، القبسات، به اهتمام مهدی محقق و سید علی موسوی بهبهانی و پروفیسور ایزوتسو و ابراهیم دیباجی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۷.
- مفتاح احمد رضا، قنبری حسن، سلیمانی حسین، تعالیم کلیسای کاتولیک، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۹۳.
- ناس، جان بویر، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، انتشارات چلچله، تهران، ۱۳۹۹.
- ولفسن، هری اوسترین، فلسفه ی آبی کلیسا، مترجم علی شهبازی، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۸۹.
- همایش مفهوم حکمت در ادیان توحیدی ۹۶/۸/۲۹ نوشته شده در تاریخ ۱۱:۲۱ ۱۳۹۶/۰۹/۰۴ در حوزه‌های تک صفحه‌ای.

